سرمقاله

تحول گفتمان ترامپ درباره جنگ ایران؛ از «پیروزی قاطع» تا «شکیبایی راهبردی»

ادامه از صحه یک

در این چارچوب، عملیات نظامی به عنوان اقدامی تعیین‌کننده معرفی می‌شد که با وارد آوردن ضربه‌ای قاطع، اهداف خود را در زمانی کوتاه محقق خواهد کرد. اینجا یک استعاره مفهومی وجود دارد: جنگ به مشت زنی تشبیه شده است که هر کس که مشتی سنگین بزند طرف دیگر را نقش زمین می کند.

با گذشت زمان، این روایت جای خود را به چارچوبی متفاوت داد. هرچه جنگ طولانی‌تر شد، ترامپ بیش از پیش نیاز به دگرگونی گفتمان را احساس می کرد؛ اما این دگرگونی باید بر اساس مبانی جدیدی شکل بگیرد. از این رو، او بارها به جنگ‌های طولانی تاریخ آمریکا، از جمله ویتنام، عراق، افغانستان و کره ارجاع داد. او به جای تأکید بر دستاوردهای سریع نظامی، استدلال می‌کرد که جنگ‌های بزرگ همواره سال‌ها به طول انجامیده‌اند و نمی‌توان عملکرد یک جنگ را تنها پس از چند هفته یا چند ماه ارزیابی کرد. دیگر جنگ مشت زنی نبود بلکه چیزی بود شبیه دو ماراتن که در آن پایداری و دوام آوردن اهمیت دارد.

از منظر تحلیل گفتمان، این تحول صرفاً تغییری در لحن یا سبک بیان نبود، بلکه دگرگونی در چارچوب تفسیری جنگ به شمار می‌رفت. در گفتمان اولیه، مخاطبان تشویق می‌شدند موفقیت جنگ را بر اساس سرعت پیشروی و قاطعیت عملیات نظامی ارزیابی کنند؛ اما در مرحله بعد، معیار ارزیابی به تجربه‌های تاریخی و توانایی حفظ پایداری راهبردی منتقل شد.

همزمان با دگرگونی های گفتمان، استعاره‌های مفهومی حاکم بر این گفتمان نیز تغییر یافت. در آغاز، جنگ با استعاره‌ای نزدیک به یک «مسابقه مشت زنی» تصویر می‌شد؛ جایی که پیروزی از طریق وارد کردن ضربه‌ای تعیین‌کننده و پایان سریع نبرد حاصل می‌شود. چنین استعاره‌ای به طور طبیعی انتظار پایان سریع جنگ را در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کرد.

اما با طولانی شدن درگیری، استعاره مسلط تغییر کرد. جنگ دیگر نه یک نبرد کوتاه و سرنوشت‌ساز، بلکه به «دوی ماراتن» شباهت پیدا کرد؛ رقابتی که در آن استقامت، شکیبایی و توان ادامه دادن اهمیت بیشتری از ضربه نخست دارد. در این چارچوب، طولانی شدن جنگ دیگر نشانه ناکامی تلقی نمی‌شد، بلکه به عنوان ویژگی طبیعی جنگ‌های بزرگ معرفی می‌گردید.

ارجاعات مکرر ترامپ به جنگ ویتنام نمونه‌ای روشن از این تغییر است. اگرچه او ایران را «ویتنامی دیگر» به معنای جنگی شکست‌خورده یا باتلاقی نظامی توصیف نکرد، اما می توان حدس زد که تکرار یادآوری جنگ ویتنام نه تنها نمونه‌ای از جنگی طولانی مدت است بلکه تا حدی آماده ساختن مخاطبان برای خروجی شکست آمیز مانند ویتنام است. بدین ترتیب، یک ویژگی از این قیاس تاریخی، یعنی «مدت زمان جنگ»، برجسته شد.

این تحول گفتمانی، معیارهای موفقیت را نیز تغییر داد. در مراحل اولیه، موفقیت با نابودی توان نظامی ایران و پایان سریع جنگ تعریف می‌شد؛ اما در ادامه، موفقیت بیش از آنکه به سرعت دستیابی به اهداف وابسته باشد، به استمرار فشار، حفظ اراده سیاسی و تداوم راهبرد نظامی گره خورد.

از منظر مطالعات ارتباطات سیاسی، اهمیت این تغییر بیش از آنکه در تحول سیاست‌های نظامی باشد، در دگرگونی منطق مشروعیت‌بخش گفتمان جنگ نهفته است. گفتمان ترامپ از آنچه می‌توان «چارچوب پیروزی قاطع» نامید، به سوی «چارچوب استقامت تاریخی» حرکت کرد. در این فرایند، دولت صرفاً انتظار عمومی درباره مدت زمان جنگ را تغییر نداد، بلکه معیارهایی را که افکار عمومی بر اساس آن عملکرد جنگ را ارزیابی می‌کرد، بازتعریف نمود. در نتیجه، ارجاعات تاریخی دیگر تنها یادآوری رویدادهای گذشته نبودند، بلکه به ابزارهای بلاغی برای بازسازی انتظارات مخاطبان درباره زمان، موفقیت و مشروعیت جنگ در زمان حال تبدیل شدند.

در نهایت باید توجه داشت که دگرگونی ها در گفتمان بر اساس نیازهای واقعی سیاسی و میدانی است و بهتر از هر چیزی می تواند ذهنیت طرف مقابل را آشکار کند.

چرا آمریکا زیرساخت‌های غیرنظامی بنادر و نوار ساحلی ایران را هدف قرار می‌دهد؟

اهداف نظامی آمریکا از ضربه به جنوب

آنچه در هفته‌های اخیر در جنوب ایران رخ داده، فراتر از یک سلسله حملات تاکتیکی است؛ این رخداد را باید در چارچوب ژئوپلیتیکِ گسترده‌ترِ مهار چین، کنترل شریان‌های انرژی، و بازآرایی معماری امنیتی اقیانوس هند خواند.

در روابط بین‌الملل، قدرت‌های دریایی همواره کوشیده‌اند که با کنترل گذرگاه‌های حیاتی و بنادر استراتژیک، رفتار رقبای بزرگ را محدود کنند

در تحلیل حملات اخیر آمریکا به زیرساخت‌های ساحلی کشورمان، به‌ویژه در بندرعباس و عسلویه، اگر این عملیات صرفاً در قالب «پاسخ تلافی‌جویانه» یا «فشار مقطعی نظامی» فهم شود، خطایی راهبردی رخ می‌دهد. چرا که آنچه در هفته‌های اخیر در جنوب ایران رخ داده، فراتر از یک سلسله حملات تاکتیکی است؛ این رخداد را باید در چارچوب ژئوپلیتیکِ گسترده‌ترِ مهار چین، کنترل شریان‌های انرژی، و بازآرایی معماری امنیتی اقیانوس هند خواند. از این منظر، بندرعباس و عسلویه نه فقط اهدافی ایرانی، بلکه گره‌گاه‌هایی در نقشه کلانِ قدرت دریایی آمریکا هستند. نقاطی که هم به اقتصاد انرژی ایران متصل‌اند و هم به راهبرد ایالات متحده برای حفظ برتری در زنجیره‌های کشتیرانی، بیمه، انرژی و امنیت دریایی!

برای فهم درست این حملات، باید از سطح رویداد عبور کرد و به سطح ساختار رسید. در روابط بین‌الملل، قدرت‌های دریایی همواره کوشیده‌اند که با کنترل گذرگاه‌های حیاتی و بنادر استراتژیک، رفتار رقبای بزرگ را محدود کنند. در قرن نوزدهم، این منطق در قالب «کنترل خطوط مواصلاتی» و «نقطه‌زنی دریایی» ظاهر می‌شد؛ در قرن بیست‌ویکم، همان منطق در لباس «آزادی کشتیرانی»، «امنیت زنجیره تأمین» و «حفاظت از تجارت جهانی» بازتولید شده و زبان و نه منطق عوض شده است. در همین راستا بندرعباس و عسلویه در این معادله، صرفاً اهداف نظامی نیستند؛ آن‌ها ابزارهای فشار بر توان صادرات انرژی ایران و نیز شاخص‌هایی برای آزمودن اراده آمریکا در مدیریت تنگه هرمز، دریای عمان و مسیرهای منتهی به اقیانوس هند هستند.

در همین جا باید به یافته‌های واقعی هفته‌های اخیر توجه کرد. بر پایه گزارش‌های میدانی و بیانیه‌های رسمی آمریکا، در موجی از حملات که طی چند شب پیاپی ادامه یافته، اهدافی در بندرعباس، چابهار، جاسک و نیز مراکز مرتبط با پایش ساحلی و قابلیت‌های موشکی و پهپادی کشورمان هدف قرار گرفته‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که در برخی موارد، زیرساخت‌های بندری و برج‌های مراقبت دریایی، و در موارد دیگر، جاده‌ها و راه‌های ارتباطیِ منتهی به بندرعباس نیز مورد حمله واقع شده‌اند. هم‌زمان، آمار عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز کاهش معناداری یافته و الگوی «عبور پنهان» افزایش پیدا کرده است. این داده‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که عملیات آمریکا صرفاً نمایش قدرت نیست، بلکه تلاشی برای تغییر رفتار عملی ایران در کنترل مسیرهای دریایی است. در زبان راهبردی، هدف فقط تخریب نیست؛ هدف، تحمیل هزینه بر مدل رفتار دریایی ایران است.

چگونه حمله امریکا به چابهار را در ارتباط با کنترل چین درک کنیم؟

اما این عملیات را نمی‌توان بدون توجه به رقابت آمریکا و چین در اقیانوس هند فهم کرد. اقیانوس هند امروز یکی از مهم‌ترین فضاهای ژئوپلیتیک جهان است، زیرا مسیر انتقال نفت خلیج فارس به شرق آسیا، شریان حیاتی اقتصاد چین، ژاپن، کره جنوبی و بخش مهمی از جنوب‌شرق آسیاست. چین بخش بزرگی از واردات انرژی خود را از همین مسیر تأمین می‌کند. بنابراین هرگونه تنش در تنگه هرمز و سواحل جنوبی ایران، صرفاً مسئله‌ای میان تهران و واشنگتن نیست؛ بلکه به‌طور مستقیم بر امنیت انرژی چین نیز اثر می‌گذارد. از این رو، آمریکا با ضربه زدن به نقاطی مانند بندرعباس و عسلویه، عملاً به‌دنبال ارسال این پیام است که «امنیت مسیر انرژی چین» همچنان در دست قدرتی قرار دارد که می‌تواند در لحظه، جریان نفت را مختل، کند یا پرهزینه سازد.

این منطق را می‌توان با مفهومی کلیدی «مهار از طریق اختلال زیرساختی» توضیح داد. در این الگو، قدرت مسلط به‌جای اشغال مستقیم قلمرو، به زیرساخت‌هایی حمله می‌کند که رگ‌های حیاتی اقتصاد و لجستیک رقیب را تشکیل می‌دهند. بنادر، پایانه‌های انرژی، برج‌های پایش ساحلی، و مسیرهای دسترسی زمینی، همه در این دسته قرار می‌گیرند. اگر هدف، صرفاً پاسخ به یک تهدید مقطعی بود، حمله به یک پایگاه نظامی کفایت می‌کرد. اما وقتی ضربه به بندر، جاده، برج مراقبت و پایانه انرژی وارد می‌شود، معنا روشن‌تر است. چرا که طرف مهاجم می‌خواهد ظرفیت دولت هدف برای اتصال به اقتصاد جهانی را مختل کند. این منطق، دقیقاً با راهبرد مهار چین هم‌افق می‌شود؛ زیرا چین برای پیشبرد پروژه‌های انرژی و تجاری خود در اقیانوس هند، به ثبات بنادر و گذرگاه‌ها نیاز دارد.

در این زمینه، بندرعباس اهمیت ویژه دارد. بندرعباس صرفاً یک بندر بزرگ نیست؛ شاه‌راه اصلی دسترسی ایران به آب‌های آزاد و حلقه‌ای مهم در شبکه صادرات، ترانزیت و قدرت دریایی کشور است. هر آسیبی که به این بندر وارد شود، فقط یک خسارت محلی نیست، بلکه در سطح راهبردی، ظرفیت ایران برای حفظ تداوم صادرات، مدیریت ترافیک دریایی، و نمایش اقتدار منطقه‌ای را تضعیف می‌کند. عسلویه نیز وضعیتی مشابه دارد، با این تفاوت که در آن، تمرکز بر اقتصاد انرژی و زیرساخت‌های گاز و پتروشیمی است. ضربه به عسلویه، ضربه به یکی از مهم‌ترین مراکز مولد درآمد و قدرت چانه‌زنی ایران است. از منظر آمریکا، هدف‌گیری این دو نقطه، به‌معنای فشار هم‌زمان بر دو ستونِ قدرت ایران در قدرت دریایی و قدرت انرژی است.

در همین راستا حمله به بندرعباس و عسلویه پیامی بازدارنده به ایران است که هرگونه افزایش فشار بر کشتیرانی، پاسخ متقابل بر زیرساخت‌های حیاتی را در پی خواهد داشت. اما این بازدارندگی، صرفاً در سطح ایران تعریف نمی‌شود. مخاطب دوم و مهم‌تر آن، چین است. آمریکا می‌خواهد به پکن بگوید که در هر سناریوی بحران در خلیج فارس و اقیانوس هند، ایالات متحده همچنان توان اختلال در شریان‌های انرژی را دارد. بنابراین، جنگِ امروز فقط بر سر خاک یا موشک نیست؛ بر سر کنترل اعتمادِ زنجیره تأمین جهانی است.

از سوی دیگر بندرها و گذرگاه‌ها همیشه ابزارهای اعمال قدرت بوده‌اند. از هالفورد مکیندر تا آلفرد ماهان، یک اصل ثابت تکرار شده است چرا که هر کس دریاها را بهتر کنترل کند، به قدرتی فراتر از مرزهای زمینی دست می‌یابد. در عصر حاضر، این کنترل الزاماً به‌معنای اشغال بندر نیست؛ گاه کافی است که با عملیات محدود اما حساب‌شده، ظرفیت عملیاتی بندر را کاهش دهید، سطح ریسک بیمه را بالا ببرید، و شرکت‌های کشتیرانی را به تغییر مسیر وادار کنید. در چنین وضعی، اثر اقتصادی حمله از خود حمله مهم‌تر می‌شود. کاهش تعداد عبورها از تنگه هرمز در روزهای اخیر و افزایش عبورهای پنهان، دقیقاً نشان می‌دهد که بازار جهانی به سیگنال نظامی پاسخ داده است.

همچنین با نظر گرفتن جنگ شبکه‌ای علیه زیرساخت، منطق عملیات آمریکا روشن‌تر می‌شود. جنگ مدرن بیش از آنکه با تصرف سرزمین تعریف شود، با اخلال در شبکه‌ها تعریف می‌شود که بر اساس آن، شبکه انرژی، شبکه حمل‌ونقل، شبکه ارتباطات، شبکه پایش و شبکه فرماندهی در اولویت قرار می گیرد. برای نمونه برج مراقبت بندر، سامانه پایش ساحلی، جاده دسترسی به بندر، انبارهای لجستیکی و تأسیسات ساحلی همگی گره‌هایی در شبکه‌اند که مورد هدف قرار گرفتند. هدف قرار دادن این گره‌ها، جنگ را از سطح نمادین به سطح کارکردی می‌برد. در این چارچوب، حمله به بندرعباس و عسلویه نه «حمله به یک شهر» بلکه «حمله به قابلیت بازتولید قدرت» است.

چگونه امریکا، راهبرد مهار چین را دنبال می کند؟

حال پرسش اصلی این است که چرا این الگو با راهبرد مهار چین در اقیانوس هند پیوند دارد؟ پاسخ در جغرافیای انرژی نهفته است. چین برای ادامه رشد اقتصادی خود به واردات پایدار نفت و گاز نیاز دارد، و این واردات از گلوگاه‌هایی مانند تنگه هرمز و سپس اقیانوس هند عبور می‌کند. هر اختلال در این مسیر، برای پکن به‌معنای افزایش هزینه انرژی، ناامطمینانی لجستیکی و فشار بر صنایع پایین‌دست است. آمریکا با هدف‌گیری بنادر جنوبی ایران، عملاً نشان می‌دهد که می‌تواند در صورت تشدید بحران، نه فقط ایران، بلکه شبکه انرژی وابسته به شرق آسیا را نیز تحت فشار قرار دهد. این همان چیزی است که در ادبیات راهبردی، می‌توان آن را «اهرم‌سازی ژئوپلیتیک از زیرساخت» نامید.

در کنار این منطق کلان، نباید از بُعد حقوقی و انسانی حملات غفلت کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی اهداف، از جمله زیرساخت‌های بندری و حتی عناصر مرتبط با حمل‌ونقل و فعالیت‌های غیرنظامی، هدف قرار گرفته‌اند. در حقوق مخاصمات مسلحانه، اصل تمایز و اصل تناسب نقش بنیادین دارند. هرگاه هدفی کارکرد دوگانه داشته باشد، ارزیابی حقوقی پیچیده‌تر می‌شود، اما این پیچیدگی، مجوز نامحدود برای حمله نیست. اگر ساختار بندری یا تأسیسات انرژی به‌گونه‌ای هدف قرار گیرد که کارکرد غیرنظامی آن به‌طور جدی مختل شود، پرسش‌های جدی درباره تناسب و احتیاط در حمله مطرح می‌شود. همین مسئله است که حملات اخیر را از سطح عمل نظامی فراتر می‌برد و به حوزه مشروعیت حقوقی نیز می‌کشاند.

باز تعریف محیط امنیتی خاورمیانه در رقابت چین و امریکا

با این حال، از منظر تحلیل راهبردی آمریکا، مشروعیت حقوقی لزوماً دغدغه درجه اول نیست؛ دغدغه اصلی، بازچینی محیط تهدید است. آمریکا در این مرحله می‌کوشد ایران را وادار کند هزینه هرگونه اعمال فشار بر کشتیرانی و هرگونه نزدیک‌شدن به نقش «کنترل‌کننده گلوگاه» را افزایش دهد. این سیاست، در واقع بازتاب همان منطق قدیمی است که در همه قدرت‌های دریایی دیده‌ایم که اگر نمی‌توانید همه مسیر را کنترل کنید، نقاط کلیدی را چنان ناامن کنید که طرف مقابل از استفاده کامل از آن منصرف شود. بندرعباس و عسلویه در این تصویر، نقاطی هستند که با مختل شدن آن‌ها، پیامدهای فراتر از ایران، از بیمه کشتی‌ها گرفته تا قیمت نفت، از رفتار چین تا محاسبات کشورهای خلیج فارس ایجاد می‌شود.

نکته‌ای که در این میان نباید نادیده گرفته شود، اثر روانی و بازارمحور حملات است. بازار انرژی و کشتیرانی به اندازه خودِ انفجارها از «ادراک خطر» تأثیر می‌گیرد. وقتی گزارش می‌شود که بندرعباس یا عسلویه هدف قرار گرفته‌اند، هزینه‌های بیمه، احتیاط ناوبری، و حتی برنامه‌ریزی شرکت‌های حمل‌ونقل تغییر می‌کند. به همین دلیل است که حملات به بندرها از منظر راهبردی جذاب‌اند: آن‌ها با هزینه عملیاتی نسبتاً محدود، اثرات چندلایه ایجاد می‌کنند. این آثار فقط نظامی نیستند؛ اقتصادی، روانی و دیپلماتیک نیز هستند. در چنین وضعی، آمریکا می‌تواند بدون اعلام جنگ تمام‌عیار، بر میدان انرژی و تجارت جهانی اثر بگذارد.

در مجموع، حملات آمریکا به بندرعباس و عسلویه را باید به‌عنوان بخشی از یک راهبرد بزرگ‌تر فهمید که هدفش فراتر از تنبیه ایران است. این عملیات، در لایه عمیق‌تر، به دنبال افزایش هزینه‌های ژئوپلیتیکی ایران در اقیانوس هند و نشان‌دادن توان آمریکا برای اختلال در مسیر انرژی شرق آسیا است؛ مسیری که چین به آن وابسته است. از همین رو، این حملات را می‌توان حلقه‌ای از زنجیره مهار چین و نه صرفاً واکنشی محلی به تنش‌های دوجانبه دانست.

پیشنهاد پاکستان و قطر چیست؟

تلاش میانجی ها برای بازگشت ایران و آمریکا به میز مذاکره

کشورهای پاکستان و قطر به عنوان طرف‌های میانجی، از ایران و آمریکا خواستند که به مواضع خود قبل از تنش اخیر بازگردند.

به گزارش ایسنا، پاکستان و قطر امروز دوشنبه پیشنهاد مشترکی ارائه کردند و در آن از ایران و آمریکا خواستند به عنوان گام اول برای ازسرگیری مذاکرات، به مواضع خود قبل از ۹ ژوئیه (۱۸ تیر) بازگردند.

در همین حال، خبرگزاری رویترز نیز امروز اعلام کرد که طرف‌های میانجی پیشنهاد توقف ۱۰ روزه حملات را دادند تا فرصتی برای احیای توافق هسته‌ای موقت میان ایران و آمریکا ایجاد شود.

پیش از این، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه کشورمان امروز در نشست هفتگی تاکید کرد: یکی از اصول اصلی یادداشت تفاهم اسلام‌آباد تعهد در برابر تعهد است و تا زمانی که طرف مقابل به تعهدات خود پایبند بود، ما نیز به تعهدات خود عمل می‌کردیم. ما هیچ‌گاه پیشگام در نقض عهدی نبوده‌ایم و این مبنای اصولی رفتار ایران است و زمانی که طرف مقابل تعهدات خود را نقض کرد، ما هم تهدید کردیم که تعهدات خود را اجرا نمی‌کنیم. بنابراین صورت مسئله روشن است و یک تفاهم‌نامه زمانی ارزشمند است که طرف‌های آن به تعهدات خود متعهد باشند، در غیر این صورت یک نوشته روی کاغذ است.

بقایی افزود: اصرار بر دوگانه دیپلماسی و مذاکره یا جنگ برای کشور ما مفید نیست، اینکه فکر کنیم دیپلماسی نافی دفاع است، یا اینکه دفاع با دیپلماسی سازگاری ندارد، به هیچ عنوان منطق صحیحی نیست، هدف صیانت از منافع ملی ایران است، گاهی با ابزار دفاع، گاهی دیپلماسی و گاهی همزمان هر دو.

اخبار

قالیباف:

آمریکایی‌ها روی هوش ما اندازه آی‌کیوی مختصر خودشان حساب کرده‌اند

رئیس مجلس شورای اسلامی نوشت: آمریکایی‌ها مدام تجهیزات نظامی جدید به منطقه می‌آورند و می‌گویند دنبال توقف جنگند. روی هوش ما اندازهٔ آی‌کیوی مختصر خودشان حساب کرده‌اند.

به گزارش ایرنا، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی در شبکه ایکس، به جنگ افروزی مقامات آمریکایی و تحرکات نظامی آنها در منطقه واکنش نشان داد و نوشت: آمریکایی‌ها مدام تجهیزات نظامی جدید به منطقه می‌آورند و می‌گویند دنبال توقف جنگند. روی هوش ما اندازهٔ آی کیوی مختصر خودشان حساب کرده‌اند.

قالیباف با تاکید بر آمادگی ایران در مقابله با دشمن نوشت: ما در شناخت این آمریکایی‌بازی‌ها به مرحله استاد تمامی رسیده‌ایم و بر این اساس آماده شده‌ایم. اقدامات باید موید ادعاها باشد نه ناقض آن‌ها.

سخنگوی دولت:

حمایت دولت برای تداوم خدمات بنادر غرب هرمزگان ضروری است

هرمزگان (ایسنا) - سخنگوی دولت، معاون وزیر راه و شهرسازی و استاندار هرمزگان با حضور در بنادر غرب استان، ضمن بررسی آخرین وضعیت عملیاتی این مجتمع بندری، روند فعالیت‌های بندری و زیرساخت‌های آسیب‌دیده را ارزیابی و بر ضرورت پشتیبانی دولت برای استمرار خدمات‌رسانی و جبران خسارات جهت حفظ پویایی اقتصاد منطقه تأکید کردند.

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت چهاردهم، محمد شکیبی‌نسب، مدیرعامل سازمان بنادر و دریانوردی و محمد آشوری تازیانی، استاندار هرمزگان در این بازدید، در جریان گزارش عملکرد، آمار فعالیت‌ها و اقدامات صورت‌گرفته در بنادر غرب استان قرار گرفتند. مهاجرانی در این بازدید با قدردانی از تلاش‌های شبانه‌روزی مدیران و پرسنل بنادر غرب هرمزگان، اقدامات انجام‌شده برای تداوم خدمات‌رسانی و حفظ جریان اقتصادی منطقه را ستود.

وی با تأکید بر اینکه دولت به‌طور ویژه حامی معیشت مردم و فعالیت‌های دریایی است، اظهار کرد: حفظ پویایی و جریان اقتصادی منطقه، اولویت مهمی است که با همت کارکنان و مدیران بندری در حال پیگیری است و دولت نیز تمامی حمایت‌های لازم را برای تداوم این خدمات و جبران خسارات وارده به مجموعه‌های فعال در این حوزه به کار خواهد گرفت.

امین صادقی، مدیر بنادر غرب هرمزگان، گزارشی جامع از وضعیت عملیاتی، روند فعالیت‌های جاری، اقدامات مدیریت بحران پس از حوادث اخیر و همچنین میزان آسیب‌های واردشده به بخش‌هایی از زیرساخت‌های بندر ارائه کرد.

وزیر کشور:

مناطق جنوبی در اولویت قطعی برق قرار ندارند

وزیر کشور از تصویب مصوبه‌ای در کارگروه انرژی برای جلوگیری از قطع برق مناطق جنوبی کشور خبر داد و گفت: بر اساس تصمیم کارگروه مربوطه به ریاست معاون عمران وزارت کشور، مناطق جنوبی تا حد امکان در اولویت قطعی برق قرار ندارند و این موضوع به‌صورت ویژه پیگیری می‌شود.

به گزارش ایسنا، اسکندر مومنی امروز (دوشنبه ۲۹ تیر) در نشست وبیناری استانداران و فرمانداران درگیر جنگ در جنوب کشور با تسلیت شهادت رهبر شهید و جمعی از فرماندهان، شهروندان و به‌ویژه دانش‌آموزان میناب و شهدای لامرد اظهار کرد: در سایه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، با اتکا به همدلی مردم و مسئولان از این شرایط سخت نیز عبور خواهیم کرد.

وی در ادامه با قدردانی از استانداران و فرمانداران استان‌های درگیر جنگ در روزهای اخیر اظهار کرد: استان‌های جنوبی کشور در خط مقدم دفاع از ایران قرار دارند و گزارش‌های ارائه‌شده نشان‌دهنده تلاش شبانه‌روزی مسئولان محلی است. ایران عزیز یکپارچه است و هیچ تفاوتی میان استان‌ها وجود ندارد. هر استانی مورد تهاجم قرار گیرد، دل همه ملت ایران با مردم آن استان خواهد بود و همه ظرفیت‌های کشور برای کاهش آلام و مشکلات مردم به کار گرفته می‌شود. مردم و دولتمردان ایران عزیزمان دغدغه‌مند جنوب کشور هستند.

جنگ آمریکا علیه ایران چه تبعاتی داشت؟

بارش شدید تگرگ در قلب واشنگتن!

در مجاورت بنای یادبود سنگی مارتین لوتر کینگ در قلب واشنگتن، سازه‌ای نامتعارف و معنادار توجه عابران را به خود جلب می‌کند. این سازه، جامی طلایی‌رنگ با عنوان طعنه‌آمیز «جام مشارکت در جنگ ایران» است که توسط گروهی از طنزپردازان ناشناس در این مکان نصب شده است.

به گزارش سرویس بین‌الملل فرارو به نقل از نشریه اکونومیست، این اقدام نمادین، کنایه‌ای آشکار و اعتراضی به عملکرد دونالد ترامپ در این جنگ ادعایی به شمار می‌رود. پیام نهفته در این اثر هنری کاملاً روشن است: در این نبرد فرسایشی، گویی دیگر پیروزی قاطع معنایی ندارد و صرف حضور در میدان نبرد، به عنوان یک دستاورد تلقی می‌شود. بر روی این جام با لحنی تمسخرآمیز حک شده است: «در شرایطی که برخی همواره به دنبال کسب نتایج ملموس و قابل سنجش هستند، رئیس‌جمهور ترامپ حداقل این شجاعت را داشت که در این جنگ مشارکت کند.» مائورا فلین، راهنمای گردشگری در شهر واشنگتن، این اثر هنری را یک طنز تلخ و هوشمندانه توصیف می‌کند. با این حال، او تأکید دارد که واقعیت‌های میدانی جنگ با ایران هیچ شباهتی به یک شوخیِ گذرا ندارد.

او در این‌باره می‌گوید: «ترامپ فاقد هرگونه راهبرد مشخص و مدون برای خروج از این بحران است و در شرایط کنونی نیز هیچ چشم‌انداز روشنی برای پایان یافتن این درگیری متصور نیست.»

سقوط بی‌سابقه محبوبیت در افکار عمومی

سپهر عمومی آمریکا و افکارسنجی‌ها نیز نشان می‌دهد که شهروندان این کشور در این نگرانی عمیق با ناظران سیاسی هم‌سو شده‌اند. بر پایه جدیدترین نظرسنجی مشترک خبرگزاری رویترز و مؤسسه ایپسوس، هم‌زمان با فروپاشی تلاش‌ها برای آتش‌بس، حدود ۸۰ درصد از آمریکایی‌ها بر این باورند که این درگیری نظامی برای مدتی طولانی و فرسایشی ادامه خواهد یافت. همچنین، نتایج نظرسنجی مشترک اکونومیست و یوگاو حاکی از آن است که نزدیک به نیمی از شهروندان ایالات متحده انتظار دارند این تنش‌ها دست‌کم تا یک سال دیگر استمرار داشته باشد. چنین چشم‌انداز تاریکی برای جامعه آمریکا که درگیر بحران‌های اقتصادی داخلی است، به هیچ‌وجه قابل پذیرش نیست. در حال حاضر، میزان رضایت خالص عمومی از تصمیم ترامپ برای آغاز حمله به ایران با سقوطی آزاد به منفی ۳۰ درصد رسیده است. برای درک بهتر این فاجعه سیاسی، کافی است به یاد بیاوریم که در دوران جنگ ویتنام، شش سال زمان برد تا مخالفت‌های عمومی به چنین سطح بی‌سابقه‌ای برسد؛ اما جنگ ایران تنها در عرض شش ماه، دقیقاً با همین موج عظیم از نارضایتی و خشم عمومی روبه‌رو شده است. لری ساباتو، استاد برجسته علوم سیاسی در دانشگاه ویرجینیا، معتقد است در این مقطع، صرفاً شدت مخالفت مردم با سیاست‌های جنگ‌طلبانه اهمیت ندارد، بلکه سرعت بی‌سابقه شکل‌گیری این موج مخالفت است که زنگ خطر را برای کاخ سفید به صدا درآورده است.

او خاطرنشان می‌کند: «این جنگ از همان روز نخست آغاز، نامحبوب‌ترین و منفورترین لشکرکشی در میان شهروندان آمریکایی از زمان ثبت دقیق نظرسنجی‌های عمومی تا به امروز بوده است.» این تحلیلگر ارشد هشدار می‌دهد که هرچه این بحران به درازا بکشد، صورت‌حساب سیاسی آن نیز برای واشنگتن سنگین‌تر خواهد شد؛ هزینه‌ای گزاف که پیش و بیش از همه، دونالد ترامپ و هم‌حزبی‌های جمهوری‌خواه او در انتخابات حساس میان‌دوره‌ای کنگره باید آن را بپردازند.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۹۸۶*۱۴۰۵ هیات اول دوم/ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک دهدشت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبدالرحیم پوررحیمی فرزند منصور بشماره شناسنامه ۳۱۴ صادره از ایران محمد پوررحیمی به شماره ملی ۴۲۵۱۱۶۸۲۳۲ و آیت پوررحیمی به شماره ملی ۴۲۵۰۹۷۶۹۲۰ در یک قطعه زمین مزروعی هر کدام به نسبت مساوی به مساحت ۲۶۰۰۴.۶۳ متر مربع پلاک ۹۴۲ فرعی از ۴۶ قطعه دو واقع در طولیان خریداری از مالک رسمی آقای یونس اشکاوند محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵.۰۴.۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵.۰۵.۱۷

علیدوست یاری زاده رئیس ثبت اسناد و املاک دهدشت

م/الف۱۴۰۵/۲۲۶

برگ سبز سواری پژو پارس مدل ۱۳۹۰ رنگ خاکستری متالیک شماره پلاک ۶۷۴ق۱۶ ایران ۴۹ شماره موتور ۱۲۴۹۰۱۴۸۰۶۹ شماره شاسی NAAN۲۱CA۲BK۱۲۴۱۸۷ به نام داود صفایی لقب مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۰۰۰۲۰۰۱۶۶۸ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک دو گنبدان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم هاجر مرادیان رضا آباد فرزند عادل یک قطعه زمین مزروعی به به مساحت ۱۶۷۶.۴۶ متر مربع پلاک فرعی ۶۹۵ از ۱۶ اصلی واقع در قریه در سلیمان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف: ۱۴۰۵/۱۴۷۶

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

اسماعیل صادقی – رئیس ثبت اسناد و املاک دوگنبدان

مفقودی

سند کمپانی وبرگ سبز وکارت شناسایی موتور سیکلت سیستم جت رو مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ۵۵۵__۴۶۲۹۴ وشماره موتور NOWHA۷۰۱۸۹۴ وشماره بدنه NCW۱۲۵A۹۰۶۰۲۸۳ با مالکیت بیگ محمد بویری با کد ملی ۴۶۶۹۷۴۷۲۲۳ مفقود واز درجه اعتبار ساقط می باشند.

لردگان ۲۷۸۳

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس TU۵ مدل ۱۴۰۰ شماره موتور ۱۶۷B۰۱۳۳۴۶۶ شماره شاسی NAAN۱۱FE۳MK۱۴۵۹۰۵ شماره پلاک ۹۱ ایران ۷۷۶ ل ۳۹ به نام جهانگیر قلیزاده دره بک فرزند علی رضا با کد ملی ۶۰۱۰۰۸۳۲۲۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد

شاددل ۲۷۵۸